

مدیرکل مقابله با آلودگی‌های دریایی محیط‌زیست خبرداد:

انتخاب طرح‌های مردمی برای کاهش آلودگی پلاستیک در سواحل خزر



مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست از اجرای پروژه پایلوت بازیافت پسماند‌های پلاستیکی در شهرستان بهشهر و انتخاب طرح‌های مردمی برای کاهش آلودگی پلاستیک در سواحل دریای خزر خبر داد. به گزارش اقتصادسراسرآمد، امید صدیقی در آیین رونمایی از پوشش ملی «نه به پلاستیک» با اشاره به اجرای پروژه منطقه‌ای بررسی و مدیریت زیاله‌های دریایی در بای خزر با تأکید بر پسماند‌های پلاستیک اظهار کرد: این پروژه از سال گذشته با همکاری کشورهای حاشیه دریای خزر و برنامه توسعه ملل متحد در ایران آغاز شده و در چندین محور شامل بررسی داده و اطلاعات، اصلاح مقررات و ضوابط، بهبود مدیریت پسماند‌های پلاستیک و راهکارهای کاهش مصرف و بازیافت پلاستیک، شناسایی منابع سرمایه گذاری، آموزش و آگاهی‌رسانی و تقویت و جلب مشارکت جوامع محلی در حال اجراست. وی با تأکید بر نقش مؤثر مشارکت‌های مردمی در حفاظت از محیط‌زیست افزود: تجربه اجرای پروژه‌های مختلف نشان داده است که موفق‌ترین برنامه‌های مدیریت پسماند با همراهی جوامع محلی، تشکل‌های زیست‌محیطی و بخش خصوصی به نتیجه رسیده‌اند. بر همین اساس، نشست با حضور ۲۰ تشکل مردم‌نهاد فعال در سه استان شمالی با همکاری دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان و برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی برنامه توسعه ملل متحد در ایران در مازندران برگزار شد و فراخوان دریافت طرح‌های پیشنهادی اطلاع‌رسانی شد.

مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست ادامه داد: پس از دریافت طرح‌های پیشنهادی از سازمان‌های مردم‌نهاد مذکور، بررسی‌های فنی و کارشناسی انجام شده و به تعدادی از طرح‌های منتخب، اعتبار اختصاص داده خواهد شد.

صدیقی با اشاره به موفقیت برخی تشکلهای مردم‌نهاد در حوزه مدیریت پسماند گفت: نتایج اجرای برخی طرح‌های مردمی، به‌ویژه در استان مازندران، بسیار قابل توجه بوده است؛ به‌گونه‌ای که در برخی مناطق با اجرای روش‌های نوین مدیریت پسماند، بخش عمده‌ای از مشکلات ناشی از انباشت زیاله برطرف شده و نتایج ارزشمندی در کاهش حجم پسماند و بهبود فرآیند بازیافت به دست آمده است.

وی همچنین از اجرای یک پروژه پایلوت بازیافت پسماند‌های پلاستیکی در شهرستان بهشهر خبر داد و افزود: پس از بررسی‌های کارشناسی و بازدیدهای میدانی، سایت مدیریت پسماند بهشهر برای اجرای این طرح انتخاب شده است. این مرکز روزانه حدود ۲۰۰ تن پسماند پنج شهر اطراف را دریافت می‌کند و با اجرای این پروژه، امکان بازیافت بخش قابل توجهی از پسماند‌های پلاستیکی فراهم خواهد شد. مدیرکل دفتر بررسی و مقابله با آلودگی‌های دریایی سازمان حفاظت محیط‌زیست با بیان اینکه اسناد فنی این پروژه آماده شده است، خاطر نشان کرد: مناقصه اجرای طرح به‌زودی برگزار می‌شود و با آغاز عملیات اجرایی، گام مهمی در توسعه بازیافت پسماند‌های پلاستیکی در سواحل شمالی کشور برداشته خواهد شد.

صدیقی تأکید کرد: این پروژه بر پایه یک مدل اقتصادی طراحی شده است، زیرا تجربه نشان داده هر برنامه مدیریت پسماند که از توجیه اقتصادی برخوردار نباشد، در بلندمدت با مشکل مواجه خواهد شد. از این رو، تلاش شده است چرخه‌ای پایدار و اقتصادی بسرای بازیافت پسماند‌های پلاستیکی ایجاد شود.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی محیط زیست مازندران، وی ابراز امیدواری کرد با موفقیت این طرح، الگوی بازیافت پسماند‌های پلاستیکی در بهشهر به سایر شهرها و مناطق ساحلی کشور تعمیم یابد و زمینه ارتقای مدیریت پسماند و کاهش آلودگی‌های پلاستیکی در سواحل دریای خزر فراهم شود.



سرتیبه گروه تحلیل – امید ایرانی – رقابتی که برای بیش از هفت دهه، روابط دو کشور هسته‌ای جنوب آسیا، هند و پاکستان، را تحت الشعاع قرار داده، هرگز محدود به شبه‌قاره نبوده است. اما در سال‌های اخیر، این کشمکش دیرینه از هیمالیا فراتر رفته و پهنه آبی خلیج فارس و مناسبات پیچیده ژئوپلیتیک خاورمیانه را به یکی از حساسترین میدان‌های رقابت میان دهلی نو و اسلام‌آباد تبدیل کرده است. آنچه زمانی به عنوان رقابتی منطقه‌ای با محوریت کشمیر تلقی می‌شد، اکنون به شبکه‌ای از ائتلاف‌های نظامی، سرمایه‌گذاری‌های کلان انرژی و نفوذ دیپلماتیک در پایتخت‌های عربی بدل گشته، تا جایی که تحولات اخیر در خلیج فارس را به سختی می‌توان بدون در نظر گرفتن نقش و منافع این دو قدرت جنوب آسیایی تحلیل کرد.

در یک سو، هند با اتکا به پیشروانه اقتصادی خود و جمعیت عظیم ۴.۵ میلیونی نیروی کار در امارات متحده عربی، رویکردی تهاجمی برای تثبیت جایگاه خود در معماری امنیتی جدید خلیج فارس در پیش گرفته است. دیدار اخیر نخست‌وزیر نارندرا مودی از ابوظبی، نقطه عطفی در این راهبرد بود و طی آن، روابط دفاعی دهلی نو و امارات از همکاری‌های تشریفاتی به سطح مشارکت صنعتی و تولید مشترک تجهیزات نظامی ارتقا یافت. تفاهمنامه‌ای که طی این سفر به امضا رسید، دو کشور را به هم‌تولیدی پهپادها، موشک‌های دقیق و سسکوهای دریایی متعهد می‌سازد و حتی حوزه‌های نوینی همچون سایبر و سیستم‌های هوش مصنوعی را نیز در بر می‌گیرد. این پیمان، تنها به خرید و فروش سلاح خلاصه نمی‌شود، بلکه نشان از عزم هند برای تبدیل شدن به یک شریک امنیتی راهبردی برای امارات و حتی مشارکت در حفاظت از مسیرهای حیاتی دریایی مانند تنگه هرمز دارد که نزدیک به نیمی از واردات نفت هند از آن عبور می‌کند. در همین راستا، امارات نیز متعهد به سرمایه‌گذاری پنج میلیارد دلاری در زیرساخت‌ها و مؤسسات مالی هند شده و تجارت دو جانبه که از مرز صد میلیارد دلار عبور کرده، هدفگذاری بلندپروازانه دو‌یست میلیارد دلاری تا سال ۲۰۳۲ را دنبال می‌کند.

با این حال، پیشروی هند در خلیج فارس، بدون چالش و تناقض نیست. اتحاد راهبرد نظامی با امارات در زمانی که تنش‌ها میان ایران و همسایگان عرب به اوج خود رسیده، دهلی نو را در موقعیتی دشوار قرار داده است. هند از یک سو، سال‌هاست که بندر چابهار ایران را به عنوان دروازه‌ای کلیدی برای دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی و رقیبی برای بندر گوادر پاکستان توسعه می‌دهد و از سوی دیگر، روابط اقتصادی و نظامی خود با امارات را که متحد نزدیک واشنگتن و تل‌آویو محسوب می‌شود، به شدت تعمیق می‌بخشد. این استراتژی «موازنه‌کاری» که ناظران آن را نوعی «بخش‌بندی دقیق» منافع توصیف کرده‌اند، در زمان آرامش امکان‌پذیر است، اما با وقوع درگیری نظامی تمام‌عیار میان ایران و اعراب، عملاً غیرممکن خواهد شد و هند را ناچار به انتخاب میان منافع استراتژیک خود با تهران یا ابوظبی خواهد کرد. با این وجود، تحلیلگران بر این باورند که در بلندمدت، منافع اقتصادی و تجاری می‌تواند بر این رقابت‌های ژئوپلیتیک فائق آید و هند ناگزیر از حفظ

تعادلی شکننده میان این دو بازیگر کلیدی است.

در مقابل، پاکستان با اتکا به سابقه دیرینه همکاری‌های نظامی و دینی، از جایگاهی ریشه‌دار تر اما متفاوت در شورای همکاری خلیج فارس برخوردار است. در حالی که هند بر قدرت اقتصادی و سرمایه‌گذاری تکیه دارد، اسلام‌آباد با تکیه بر قراردادهای دفاعی و حضور نظامی مؤثر، به عنوان ضلع نظامی امنیت خلیج فارس شناخته می‌شود. نقطه عطف این راهبرد، امضای پیمان دفاعی مشترک راهبردی میان ریاض و اسلام‌آباد در سپتامبر ۲۰۲۵ است که به روشنی هر گونه تعرض به خاک عربستان را

با این توصیف، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چه عواملی این رقابت تاریخی را تا این اندازه به خلیج فارس کشانده است؟ در سطح کلان، سه عامل تعیین‌کننده هستند: نخست، وابستگی شدید هر دو کشور به انرژی و نیروی کار خلیج فارس، به گونه‌ای که اقتصاد پاکستان و هند به شدت به جریان سالم انرژی و کارگران مهاجر وابسته است و هر گونه بی‌ثباتی در منطقه به طور مستقیم امنیت ملی آنان را تهدید می‌کند. دوم، کاهش اطمینان کشورهای عربی به چتر امنیتی آمریکا و تلاش برای متنوع‌سازی شرکای دفاعی خود که به پاکستان به عنوان یک قدرت نظامی مسلمان و به

«آنچه در خلیج فارس در حال وقوع است، نه یک جنگ کلاسیک، بلکه رقابتی فشرده، هوشمندانه و چندلایه برای کسب اعتبار، امنیت و نفوذ است. هند و پاکستان هر دو به خوبی دریافته‌اند که نقش آفرینی در خلیج فارس، به معنای بازی در لیگ جهانی قدرت است و موفقیت در این عرصه، می‌تواند معادلات قدرت رانه تنها در شبه‌قاره، بلکه در کل جهان اسلام دگرگون کند. در حالی که پاکستان مزیت پیش‌گامی نظامی و اعتماد دیرینه را یدک می‌کشد، هند با قدرت عظیم اقتصادی و فناوری خود، گام‌های بلندی برای پر کردن این شکاف برمی‌دارد

تهاجمی علیه پاکستان تلقی می‌کند. این پیمان، که از آن به عنوان «پیمان همکاری‌های دفاعی ناتوگونه» یاد می‌شود، همکاری چندین دهه‌ای دو کشور را به سطحی بی‌سابقه ارتقا داد و بلافاصله با استقرار هشت هزار نیروی نظامی پاکستان، یک اسکادران جنگنده و سامانه‌های پدافند هوایی در خاک عربستان همراه شد. این حضور نظامی که از دهه ۱۹۷۰ با استقرار مستشاران پاکستانی در عربستان آغاز شده بود، اکنون به یک مؤلفه راهبردی و علنی در معادلات امنیتی منطقه تبدیل شده و حتی بحث حمایت از «چتر هسته‌ای» پاکستان برای عربستان را نیز به میان کشیده است.

با این حال، نقش پاکستان در خلیج فارس تنها به یک متحد نظامی برای عربستان محدود نمی‌شود. اسلام‌آباد در ماه‌های اخیر توانسته است با بهره‌گیری از روابط تاریخی خود با جمهوری اسلامی و همچنین اعتماد ریاض، به عنوان یک میانجی کلیدی در بحران‌های منطقه ابغای نقش کند. میزبانی پاکستان از مذاکرات غیرمستقیم میان آمریکا و ایران، نمونه بارزی از این نقش دیپلماتیک منحصربه‌فرد است. اسلام‌آباد در عین حال که با عربستان پیمان دفاعی دارد و حملات به امارات و ریاض را محکوم می‌کند، تجاوز نظامی به ایران را نیز تقبیح نهمده و به عنوان پلی میان تهران و کشورهای عربی عمل می‌کند. این اقدام مبتکرانه، پاکستان را در موقعیتی کم‌نظیر قرار داده که می‌تواند هم‌زمان با بازیگران همچون ایران، آمریکا، عربستان و چین در ارتباط باشد و به عنوان یک بازیگر ثبات‌بخش در غرب آسیا ظاهر شود. پاکستان حتی پیشنهاد ایجاد یک مکانیسم گشت‌زنی مشترک در تنگه هرمز را برای تضمین عبور امن کشتی‌ها ارائه کرده که نشان‌دهنده جاه‌طلبی اسلام‌آباد برای تأثیرگذاری بر معماری امنیتی پس از جنگ است.

«سراسرآمد» بررسی می‌کند؛

«خلیج فارس» عرصه جدید رقابت هند و پاکستان

رقابت پنهان‌ای میان محور «هند-امارات-اسرائیل» و محور «پاکستان-عربستان»

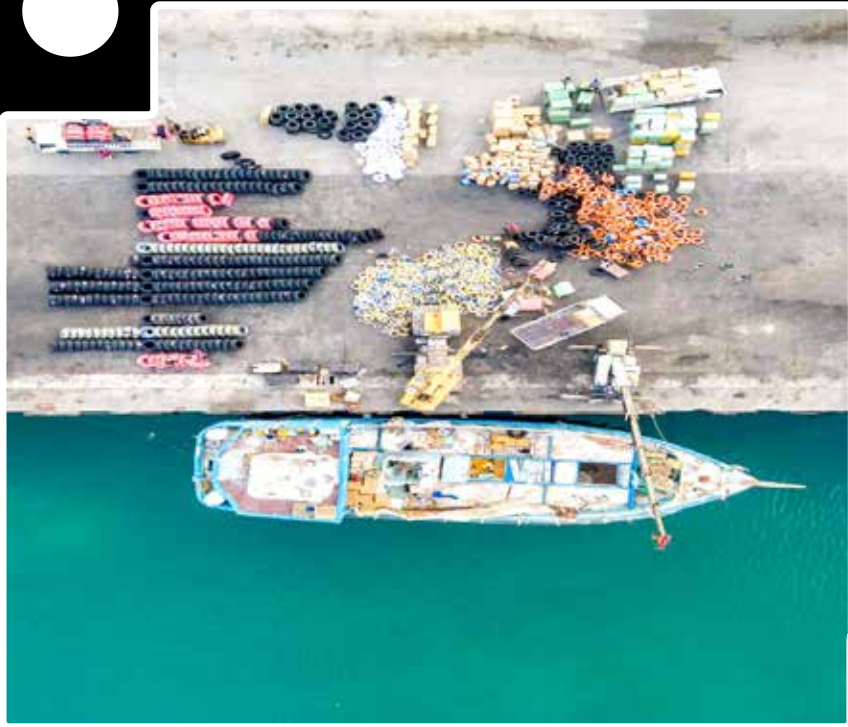
منطقه، کل نظم بین‌المللی را متأثر خواهد کرد. پیمان دفاعی عربستان و پاکستان، زنگ خطری جدی برای هند به صدا درآورده است و تحقق پروژه‌های کلان زیرساختی مانند کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) را با تردید مواجه ساخته است. هم‌زمان، بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که این پیمان می‌تواند به تقویت محور امنیتی پاکستان، عربستان، ترکیه و مصر منجر شود و در سوی مقابل، رقابت پنهان‌ای میان محور «هند-امارات-اسرائیل» و محور «پاکستان-عربستان» شکل دهد که سرنوشت امنیت منطقه را رقم می‌زند. از سوی دیگر، چین نیز به عنوان یک ناظر و بازیگر پشت صحنه، از هر دو رقابت سود می‌جوید؛ حضور فزاینده سیستم‌های دفاعی چینی در اختیار پاکستان و استقرار آنها در خلیج فارس، گام‌هایی برای کاهش وابستگی منطقه به غرب و ایجاد نظمی چندقطبی در حوزه امنیت است.

در پایان، آنچه در خلیج فارس در حال وقوع است، نه یک جنگ کلاسیک، بلکه رقابتی فشرده، هوشمندانه و چندلایه برای کسب اعتبار، امنیت و نفوذ است. هند و پاکستان هر دو به خوبی دریافته‌اند که نقش آفرینی در خلیج فارس، به معنای بازی در لیگ جهانی قدرت است و موفقیت در این عرصه، می‌تواند معادلات قدرت را نه تنها در شبه‌قاره، بلکه در کل جهان اسلام دگرگون کند. در حالی که پاکستان مزیت پیش‌گامی نظامی و اعتماد دیرینه را یدک می‌کشد، هند با قدرت عظیم اقتصادی و فناوری خود، گام‌های بلندی برای پر کردن این شکاف برمی‌دارد. این رقابت با سرعت تمام ادامه خواهد یافت و پاسخ به این پرسش که آیا خلیج فارس به میدان جدید نبرد تبدیل می‌شود یا منافع اقتصادی بر رقابت‌های سیاسی فائق می‌آید، به میزان خردمندی رهبران دهلی نو و اسلام‌آباد در مدیریت تعارض‌های اجتناب‌ناپذیر و نیز چگونگی شکل‌گیری نظم امنیتی پس-آمریکایی در غرب آسیا بستگی دارد.



بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی - اقتصاد سراسرآمد